

Translation of Proverbs in Classical-Persian Literature: Enhancing Beekman and Callow's Model via Sokhan Dictionary of Proverbs

Mahmoud Afrouz*

Abstract

Translating proverbs is sometimes a challenging task. The present study aims at investigating the most productive strategies of translating Persian proverbs into English. Therefore, as the first step, a compilation of classical Persian proverbs were randomly selected from Anvari's (2004) Sokhan Dictionary of Proverbs and their literal-semantic translations were provided. The counterparts of the selected Persian proverbs in English were also extracted from monolingual dictionaries including The Concise Oxford Dictionary of Proverbs and A Dictionary of American Proverbs. In doing so, Beekman and Callow's (1974) model was employed. According to the findings, a mixed procedure was recognized to be more fruitful than the isolated use of each procedure proposed by Beekman and Callow (1974). Accordingly, replacing the source-text proverb with its equivalent target-language proverb and referring to its literal translation and meaning in a footnote can be highly productive procedures. These procedures would provide the target-language readership with cultural information and would clarify the meaning of proverbs.

* Assistant Professor, Department of English Language and Literature, University of Isfahan, Isfahan, Iran, m.afrouz@fgn.ui.ac.ir

Date received: 20/02/2022, Date of acceptance: 01/05/2022



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

The present study also introduces the new procedure called ‘substitution’ for translating proverbs.

Keywords: Translating proverbs, Anvari’s Sokhan Proverb Dictionary, Classical Persian-proverbs, Beekman and Callow’s (1974) model, Literal-semantic translation.



بررسی ترجمهٔ ضرب‌المثل‌های کهن پارسی: ارتقاء مدل بیکن و کالو از رهگذر فرهنگ امثال سخن انوری

محمود افروز*

چکیده

ترجمهٔ ضرب‌المثل امری چالش‌برانگیز است. جستار حاضر با تمرکز بر ضرب‌المثل‌های کلاسیک فارسی موجود در فرهنگ امثال سخن انوری (۱۳۸۴)، در پی بررسی مؤثرترین راهبردهای ترجمه ضرب‌المثل است. برای نیل به این هدف، ابتدا مثل‌هایی از پیکرهٔ مذکور به صورت تصادفی استخراج و ترجمه معنایی-تحت‌لفظی آنها نگاشته شد. سپس، با جست‌وجو در دو فرهنگ تک‌زبانۀ انگلیسی فرهنگ امثال آکسفورد و امثال آمریکایی، تلاش شد برای هر یک، معادل‌های بومی-منظورشناختی یافت شود. مدل به‌کار رفته در این نوشتار، بر اساس راهبردهای پیشنهادی بیکن و کالو (۱۹۷۴) است. طبق یافته‌ها، به‌کارگیری راهکارهای تلفیقی، از کارآمدترین راهبردهای ترجمه ضرب‌المثل است. در این میان، راهبرد «جایگزینی با معادل بومی» و کاربرد ترجمه تحت‌لفظی در پرازنز یا پانویس، جزو مؤثرترین راهبردها معرفی شده است، زیرا علاوه بر فراهم آوردن اطلاعات فرهنگ‌محور برای مخاطبان، سبب درک روشن مفهوم ضرب‌المثل نیز می‌شود. هم‌چنین، در این پژوهش راهبرد جدیدی به نام «جایگزین‌سازی» ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: ترجمهٔ ضرب‌المثل، فرهنگ امثال سخن انوری (۱۳۸۴)، ضرب‌المثل‌های کهن پارسی، مدل بیکن و کالو (۱۹۷۴)، ترجمه معنایی-تحت‌لفظی.

* استادیار ترجمه، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکدهٔ زبان‌های خارجی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، m.afrouz@fgn.ui.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۰۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۱



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

۱. مقدمه

ایران در مقام یکی از کهن‌ترین تمدن‌های بشر، گنجینه‌ای بس غنی از ضرب‌المثل‌های نغز را داراست. در زبان انگلیسی، برای ضرب‌المثل معادل‌هایی چون «adage»، «proverb»، «maxim» و «saying» ذکر شده است که مورد اول، رایج‌ترین نام آن است. انوری (۱۳۸۴: ۱۱) «مثل» را جمله‌ای «کوتاه» و «اغلب آهنگین» معرفی می‌کند که بیانگر «آموزه‌ای اخلاقی یا اجتماعی است». و میسر نیز ضرب‌المثل را جمله‌ای مشهور می‌داند که برای نصیحت کردن و یا گفتن سخنی به‌کار می‌رود که درباره درستی آن اتفاق نظر وجود دارد (Whmeier 1995: 1020). در واقع، ضرب‌المثل یک واحد معنایی (unit of meaning) مستقل است که معنی تحت‌اللفظی آن چندان مد نظر نیست؛ آنچه اهمیت دارد، کاربرد خاص ضرب‌المثل در بافت ویژه‌ای است که نگارنده یا گوینده از آن استفاده کرده است. از این روست که بیکر (Baker 2018: 70) معتقد است ضرب‌المثل‌ها، برخلاف برخی اصطلاحات، معنای شفاف‌تری دارند.

یکی از عرصه‌های بروز و ظهور ضرب‌المثل، متون ادبی است. ادبیات فارسی جزو غنی‌ترین ادبیات جهان محسوب شده و متون کهن آن غالباً مشحون از صنایع و آرایه‌های ادبی است (پرواز و افروز، ۱۴۰۰). کلام شیرین و حکمت آموز سعدی شیرازی در ادبیات ایران و جهان جایگاه بی‌بدیلی دارد. وجود ترجمه‌های متنوع از آثار وی، به ویژه گلستان، خود گواهی بر این مدعی است (برای آگاهی بیشتر بنگرید به ترجمه‌های ریهاتسک، راس، برتن، اندرسن، آرنولد، ایستویک، گلدوین و ...). همچنین پژوهشگران «مثنوی مولانا» را با تکیه بر جمیع جوانب، همچون «ادبی و زبانی»، «تعلیمی و عرفانی»، جزو «شگرف‌ترین آثار ادبی ایران و جهان» برشمرده (رادفر و پاک‌نهاد ۱۳۹۲: ۷۸) و تأکید کرده‌اند که شاهنامهٔ فردوسی «همواره در شئون مختلف زندگی ایرانیان و دیگر مردم آگاه و نیک سرشت جهان حضور داشته است» (تقوی و رادفر ۱۳۸۹: ۱). یکی از عوامل ظهور و بروز ادبیات در زندگی روزمره مردم، وجود پررنگ ضرب‌المثل‌های حکمت‌آموز در این آثار ادبی است. البته، تمرکز صرف بر یک اثر ادبی خاص که تعداد قابل توجهی از امثال را در خود جای داده باشد و بتواند به عنوان پیکره جامع یک پژوهش قرار گیرد، امری چالش برانگیز است. از میان پیکره‌های قابل اعتنا که حاوی گنجینه‌ای سرشار از ضرب‌المثل‌های مستخرج از ادبیات کهن و معاصر باشد، می‌توان به فرهنگ امثال و حکم اشاره کرد.

از آنجا که «فراگیری زبان بیشتر معلول» اولاً «دانستن لغات» و ثانیاً «آگاهی از دست‌ورزبان» است، «نوشتن فرهنگ‌های لغت» همواره «رونق» (رادفر ۱۳۹۳: ۵۷) قابل توجهی داشته است. از منظر «زبان‌شناسی فرهنگی»، «جهانبینی خاص هر ملت» در «زبان» و به ویژه در ضرب‌المثل‌های آن زبان «منعکس می‌شود» (ولی‌پور و ابراهیم‌شریفی ۱۳۹۸: ۲۵۶). در واقع، ارتقاء آگاهی یک ملت از ذخایر ارزشمند فرهنگی خود، مستلزم نگارش فرهنگ‌های ضرب‌المثل است—اقدامی ارزنده که برخی ادیبان طی سالیان اخیر بدان همت گمارده‌اند. هرچند، لزوم شناسایی دیگر ملل با فرهنگ ایران‌زمین حکم می‌کند بیش از پیش تلاش‌هایی برای ترجمه فرهنگ‌های ضرب‌المثل فارسی نیز انجام گیرد. در این مقاله سعی شد راهکارهای ترجمه امثال کهن از فارسی به انگلیسی مطالعه شود تا از این رهگذر میزان پوشش یا کارآمدی راهبردهای ارائه شده توسط نظریه‌پردازان مغرب زمین برای ترجمه این امثال بررسی شود. بررسی و تحلیل ضابطه‌مند نمونه‌های عملی ترجمه می‌تواند به تقویت مبانی و «چارچوب‌های نظری» این رشته کمک شایانی کند (افروز و ملانظر، ۲۰۱۶: ۷۵). یافته‌های این مطالعه نیز می‌تواند به ارتقاء مدل‌های پیشنهادی از سوی نظریه‌پردازان سابق بانجامد. پرسش‌های پژوهش عبارتند از:

- ۱) با تکیه بر ویژگی‌های صوری، ضرب‌المثل‌های کلاسیک فرهنگ امثال سخن را چگونه می‌توان دسته‌بندی کرد؟
- ۲) کارایی راهکارهای بی‌کمن و کالو (Beekman & Callow 1974) برای ترجمه ضرب‌المثل تا چه میزان است؟
- ۳) آیا راهکارهای ترجمه ضرب‌المثل به آنچه توسط بی‌کمن و کالو بیان شده محدود می‌شود؟ تا چه میزان الگوی ایشان با ارائه راهبردهای جدیدتر، قابل ارتقاء است؟
- ۴) شیوه‌های افزایش میزان تأثیرگذاری راهکارهای ترجمه ضرب‌المثل کدام است؟

۲. پیشینه تحقیق

۱.۲ ضرب‌المثل و فرهنگ

ضرب‌المثل‌ها، از یک‌سو، جزو منابع فرهنگی غنی یک ملت محسوب می‌شوند و از سوی دیگر، خود «نقش مهمی در فرهنگ‌سازی» دارند (ابراهیم‌شریفی و ولی‌پور ۱۳۹۶: ۱۲۹).

بَسنت (23: Bassnett 2002) زبان را «همچون قلبی در جسم فرهنگ» تعبیر کرده و به عبارتی، حیات فرهنگ را مدیون زبان می‌داند. از طرفی، زبان را می‌توان رایج‌ترین عرصه بروز فرهنگ دانست، به گونه‌ای که ضرب‌المثل‌ها در متون (کتبی و شفاهی) بیشترین مجال تجلی را می‌یابند. از این‌رو، زبان و ترجمه را می‌توان «نقطه عطفی در تعامل فرهنگ‌ها» دانست (امیرشجاعی و قریشی ۱۳۹۵: ۸).

ضرب‌المثل‌های موجود در زبان یک ملت، غالباً ریشه در تفکرات و اندیشه‌های بزرگان آن ملت دارد و رد پای آن در «متون مذهبی»، «داستان‌های عامیانه» و «ادبیات» کاملاً مشهود است (Afrouz 2022: 54). همان‌طور که «غفلت از برنامه آموزشی نهفته» در کتاب‌های آموزش زبان‌های خارجی «می‌تواند باعث گوشه‌نشین شدن تفکر ملی و بومی شود» (قهرمانی و پورصدوقی ۱۳۹۵: ۱۱۸-۱۱۹)، غفلت از ارائه معادل‌های بومی و روی آوردن به ترجمه صرفاً تحت‌اللفظی ضرب‌المثل‌ها می‌تواند به نوعی سیطره یا تهاجم فرهنگ مبدأ بر فرهنگ مقصد تلقی شود. به عبارتی، مترجم ضرب‌المثل، نباید صرفاً تمام توجه خود را به امر برگردان تحت‌اللفظی معطوف کند، بلکه خود باید گاهی در کسوت شبه‌نویسنده ظاهر شود و از معادل‌های حاضر در ذخایر فرهنگی مقصد، به شکلی هنرمندانه استفاده کند. دقیقاً اینجاست که می‌توان بر واقعیت این سخن صحه گذاشت که «ترجمه» یکی از «پیچیده‌ترین فنون نویسندگی است» (ولی‌پور و قریشی، ۱۳۹۴: ۶) که در آن مترجم به «بازتولید متن اصلی در زبان مقصد» (افروز، ۱۳۹۸: ۳۲) می‌پردازد. هرچند تفاوت‌های دو فرهنگ مبدأ و مقصد مشکلاتی برای مترجمان ایجاد می‌کند، اما یادگیری ضرب‌المثل، سریعترین راه آشنایی با فرهنگ و درک اندیشه‌های یک ملت است (Lunde & Wintle 1943). در واقع، یکی از منابع غنی ادبیات تطبیقی، در سطح فرهنگ ملل، بررسی تطبیقی ضرب‌المثل‌های پرکاربرد در زبان‌های مختلف است.

۲.۲ دسته‌بندی ضرب‌المثل‌ها

سیمپسن (Simpson 1992: 10) ضرب‌المثل‌های انگلیسی را در سه گروه طبقه‌بندی می‌کند:

۱. مثل‌هایی که در قالب کلام انتزاعی، حقایق کلی را بیان می‌کنند، مانند:

Absence makes the heart grow fonder and Nature abhors a vacuum.

بررسی ترجمه ضرب‌المثل‌های کهن پارسی: ... (محمود افروز) ۷

(دوری، قلب‌ها را نسبت به یکدیگر مشتاق‌تر می‌کند و طبیعت از (دوری و) شکاف بیزار است.)

۲. مثل‌هایی که ریشه در تجارب روزمره دارند و نکته‌ای کلی را بیان می‌کنند، مانند دو مثل زیر:

You can lead a horse to water, but you can't make him drink.

(می‌توانید اسبی را به سوی آب هدایت کنید، اما نمی‌توانید او را مجبور به نوشیدن کنید.)

Don't put all your eggs in one basket.

(تمام تخم‌مرغ‌هایتان را در یک سبد قرار ندهید.)

۳. مثل‌هایی که شامل حوزه‌های خاصی از حکمت، سنت و داستان‌های افسانه‌ای و عامیانه (folklore) می‌باشند، مانند ضرب‌المثل‌های مربوط به سلامتی همچون:

After dinner rest a while, after supper walk a mile.

(پس از عصرانه، اندکی استراحت، و پس از شام، یک مایل پیاده‌روی کن.)

در زبان فارسی می‌توان به طبقه‌بندی کلی مثل‌های «ادبی» و «عامیانه» اشاره کرد. برای نمونه، معادل ادبی مثل عامیانه «کف دست مو ندارد!» را در مصرع دوم این بیت از مولانا می‌توان یافت: «گفت مست ای محتسب بگذار و رو / از برهنه کی توان بردن گرو» (انوری ۱۳۸۴: ۳۷۹). هرچند این مورد در محاورات روزمره مردمان این عصر کاربردی ندارد، اما تعدادی از این دست مثل‌ها را نیز می‌توان یافت که در زبان روزمره کاربرد دارند. البته با اطمینان کامل نمی‌توان گفت دقیقاً گروه دوم ریشه در گروه نخست دارد، یا برعکس.

۳.۲ ترجمه ضرب‌المثل

یکی از موانع برسر راه ترجمه، مشکل یافتن معادل‌های مناسب برای واژگان و جملات متن مبدأ است (افروز ۱۳۹۵، ۱۳۹۹). معادل‌گزینی، خود تحت تأثیر نوع راهبردی است که مترجم برمی‌گزیند (Afrouz 2019, 2020, 2021a, 2021b, 2021c) که البته دستیابی به تعادل

کامل (Perfect equivalence) غالباً ناممکن است (Afrouz & Shahi 2020). بیکمن و کالو (Beekman & Callow 1974: 136) سه راهبرد زیر را برای ترجمه مثل معرفی کرده‌اند:

۱. ضرب‌المثل با معادل بومی آن در زبان مقصد جایجا شود؛
 ۲. معنای تحت‌اللفظی ضرب‌المثل مستقیماً ارائه شود؛
 ۳. عباراتی، به عنوان معنای ضرب‌المثل، در ادامه آن ذکر گردد؛ به عبارت دیگر، ضرب‌المثل حذف و تنها معنی آن ذکر شود.
- بسیاری از پژوهشگران ترجمه واژه‌به‌واژه و حتی تحت‌اللفظی را برای برگردان ضرب‌المثل‌ها نامناسب می‌دانند (Mollanazar 2018).

۴.۲ پیشینه مطالعات

دلاهانتی داگلاس و پیل (Delahanty Douglas & Peel 1979: 116) به توانایی کودکان کلاس اول تا هفتم ابتدایی در ترجمه استعاره و ضرب‌المثل پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که «غالب کودکان کلاس سوم» قادرند با موفقیت استعاره‌ها را ترجمه کنند، و این در حالی است که توانایی ترجمه ضرب‌المثل مستلزم رسیدن به درک و فهمی است که غالباً تا پیش از کلاس هفتم برای دانش‌آموزان فراهم نمی‌شود.

نیازی و نصیری (۱۳۸۸) غفلت از جنبه‌های فرهنگی در ترجمه ضرب‌المثل‌ها و کنایات را عامل «کاهش ارزش‌های علمی و فرهنگی» دانسته‌اند. تأکید پژوهشگران صرفاً بر روی زبان عربی و فارسی بوده و معتقدند زمانی جایگزینی ضرب‌المثل‌های متن مبدأ با ضرب‌المثل‌های بومی زبان مقصد را باید امری نادرست دانست که از «ظرافت‌های فرهنگی» غفلت شده باشد (همان، ص ۱۸۲).

فاطمی (۱۳۹۰: ۹۰-۹۴) در مقاله خود به بررسی «لغزش‌های فکری خرد عامه» در زمان وضع ضرب‌المثل‌های فارسی پرداخته و مباحثی چون «خرافه»، «مغالطه»، «تعمیم نابجا»، «اهمال سور» و غیره را طرح نموده است.

عرفت پور (۱۳۹۸: ۲) در مقاله‌ای «توصیفی-تحلیلی» به بررسی ظهور و بروز «برخی از حیوانات پرکاربرد» از جمله «شتر، سگ، گاو و کلاغ» در ضرب‌المثل‌های عربی و فارسی پرداخته است.

شیهاب و دراگمه (Shehab & Daragmeh 2015) در مقاله خود بر روی ده ضرب‌المثل عربی و ترجمه آنها به انگلیسی مطالعه کرده و نهایتاً به این نتیجه رسیده‌اند که مترجمان متون ادبیات عربی بهتر است به بافت موقعیتی ضرب‌المثل نیز بها داده و از آن غفلت نکنند، چرا که اهمال در این امر، کیفیت اثرشان را می‌تواند به شدت تحت تأثیر قرار دهد.

امانی و رضائی و خوشناموند (۱۳۹۶: ۱) به بررسی ترجمه‌ی ضرب‌المثل‌های قرآن کریم توسط دهلوی، فولادوند و فیض‌الاسلام پرداخته و نتیجه گرفته‌اند که علی‌رغم «وفاداری» ایشان به متن مبدأ، روح ضرب‌المثل‌ها «در ترجمه منعکس نشده است». پژوهش‌گران با اذعان به این مطلب که نتیجه چنین ترجمه‌ای کاهش میزان تأثیرگذاری متن مقصد خواهد بود، روش معنایی-ارتباطی را راهکاری مفید در این خصوص معرفی کرده‌اند.

اسکندری و سعیدی (۱۳۹۶) به بررسی ترجمه ضرب‌المثل‌ها از زبان روسی به فارسی پرداخته و چنین نتیجه‌گیری می‌کنند که ترجمه تحت‌اللفظی و گرته‌برداری راهکارهای ناکارآمدی برای ترجمه ضرب‌المثل‌های روسی هستند، زیرا سبب از بین رفتن بارمعنایی و احساسی مثل‌ها طی فرایند ترجمه می‌شوند.

مارتانجویی (Martha Njui 2019) به تفسیر زبانشناختی ضرب‌المثل‌ها در زبان کنیانگ پرداخته است. این زبان توسط اقلیتی در جنوب غربی کامرون تکلم می‌شود. یافته‌های محقق حاکی از آن است که ضرب‌المثل‌های این زبان واجد ویژگی‌هایی از قبیل «استعاره»، کنایه و ... است (ص ۴۲۱).

غالب جستارهای مرور شده به این نتیجه رسیده‌اند که راهبرد تحت‌اللفظی، مؤثر نیست، هرچند، خلاء ارائه راه‌حل‌های کارآمد در آنها ملموس است. همچنین، اکثر پژوهش‌های مرور شده بر روی جفت‌زبان عربی-فارسی یا عربی-انگلیسی و تک جستارهایی نیز بر ضرب‌المثل‌های زبان روسی، میانگکابو و کنیانگ اختصاص داده شده بود. تحقیقی هم بر روی جفت زبان انگلیسی-فارسی انجام شده که البته موضوع آن، ضرب‌المثل‌های انگلیسی و ترجمه فارسی آنها است. بنابراین، لزوم انجام تحقیقی بر روی ترجمه ضرب‌المثل‌های کلاسیک فارسی و معادل آنها در انگلیسی کاملاً محسوس بوده و جستار حاضر با قصد پر نمودن خلاء حاضر انجام گرفته است. از سوی دیگر، قدیمی بودن تنها

مدل اختصاصی (بیکن و کالو، ۱۹۷۴) و خلاء الگوی جدید و به‌روز، انگیزه مضاعفی برای پژوهشگر شد تا به معرفی راهکارهای بدیع‌تر در قالب ارتقاء مدل فعلی بپردازد.

۳. روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع توصیفی پیکره-محور و بر مبنای تحلیل داده‌های کتابخانه‌ای است. در عرصه تحقیق، توجه به این امر ضروری است که ادبیات هر ملت ریشه در فرهنگ آن ملت دارد. تعامل فرهنگ‌ها و جهان‌شمولی یا شباهت برخی از مفاهیم فرهنگی، منتج به ظهور بسیاری از مثل‌های مشابه در ادبیات ملل مختلف شده است. زبان‌های فارسی و انگلیسی که از یک خانواده زبانی هستند نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشند. البته، یافتن آثار ادبی (متون منظوم و منثور / کلاسیک و معاصر) که اولاً به انگلیسی ترجمه شده باشد و ثانیاً حاوی تعداد قابل توجهی از ضرب‌المثل‌ها باشد، میسر نبود. در غالب آثار یافت شده، بیش‌تر اصطلاحات (idioms) وجود داشت و تعداد محدودی ضرب‌المثل به کار رفته بود که آن هم غالباً با راهبرد تحت‌لفظی ترجمه شده بودند و عملاً پیکره مناسبی برای پژوهش محسوب نمی‌شدند. بنابراین، پژوهشگر حاضر پیکره تحقیق خود را فرهنگ ضرب‌المثل‌های فارسی برگزید و به بررسی روش‌های امکان‌پذیر ترجمه آنها مبادرت ورزیده و کوشیده است دریابد که آیا راهبردهای محتمل برای ترجمه مثل‌های فارسی صرفاً به روش‌های مطروحه در مدل بیکن و کالو خلاصه می‌شود یا خیر؟ آیا این مدل ارتقاء پذیر است یا خیر؟ در واقع، در جستار حاضر، گلچینی از مثل‌های فارسی بر مبنای شیوه انتخاب تصادفی، از فرهنگ امثال سخن حسن انوری (۱۳۸۴) انتخاب و معادل انگلیسی و راهبرد ترجمه آنها مطالعه شده است. معادل‌های بومی منظورشناختی نیز از دو فرهنگ امثال آمریکایی اثر میدر، استوارت و هاردن (۱۹۹۲) و فرهنگ امثال آکسفورد اثر سیمپسون (۱۹۹۲) به دقت استخراج شده‌اند.

برای گردآوری و تحلیل داده‌ها و انجام پژوهش، گام‌های زیر برداشته شده است:

۱. انتخاب تصادفی نمونه ضرب‌المثل‌هایی از «فرهنگ امثال سخن»
۲. دسته‌بندی نمونه ضرب‌المثل‌ها با تکیه بر ویژگی‌های صورتی
۳. استخراج و بررسی معادل‌های موجود از دو فرهنگ «امثال آمریکایی» و «امثال آکسفورد»

بررسی ترجمه ضرب‌المثل‌های کهن پارسی: ... (محمود افروز) ۱۱

۴. بررسی راهبردهای مؤثر ترجمه ضرب‌المثل از فارسی به انگلیسی و امکان‌سنجی ارتقاء مدل بیکن و کالو

۴. نتایج و بحث و بررسی

۱.۴ ویژگی ظاهری ضرب‌المثل‌های کلاسیک فارسی

غالب مثل‌های کلاسیک پیکره حاضر در چهار قالب پدیدار شده‌اند. در اینجا «ST» یا (Source Text) به معنای متن مبدأ، «TT» یا (Target Text) متن مقصد (که غالباً به صورت ترجمه معنایی یا تحت‌لفظی است) و «ECP» یا (English Correspondent Proverb) به معنای مثل معادل در زبان انگلیسی است.

الف) در قالب عبارت:

ST	هنر بهتر از ملک و مال پدر (انوری ۱۳۸۴: ۴۹۲)
TT	Art is better than your father's property and wealth.
ECP	Art is power. (Mieder, Stewart & Harder, 1992: 492)

ب) در قالب جمله:

ST	خانه به دو کدبانو نارفته بود (انوری ۱۳۸۴: ۳۷۸)
TT	One house with two housewives will be messy.
ECP	Two women in the same house never agree. (Mieder et al., 1992: 668)
ST	خرسند باشید تا توانگر باشید (انوری ۱۳۸۴: ۴۰۱)
TT	Be content in order to be rich.
ECP	Contentment is better than riches or To be content with little is true happiness. (Mieder et al., 1992: 114)

ج) در قالب مصرع:

ST	بکن کار و کرده به یزدان سپار (انوری ۱۳۸۴: ۱۷۳)
TT	Do something and trust in God.
ECP	Trust in God and do something. (Mieder et al. 1992: 256)

(د) در قالب بیت:

ST	تیغ است زبان، کشیده هموار/ زین تیغ کشیده سر ننگه دار (انوری ۱۳۸۴: ۲۵۹)
TT	The tongue has always been an uncovered sword/ Protect thy head from this bare sword.
ECP	The tongue is sharper than the sword. (Mieder et al. 1992: 655)

۲.۴ تحلیل مثل‌ها و ترجمه آن‌ها

هرچند مثل را سخنی موجز تعریف کرده‌اند که غالباً به حقیقتی مقبول توسط عام اشاره دارد، این امر سبب نمی‌شود که ظاهر ضرب‌المثل‌ها ساده و خالی از هرگونه آرایه ادبی باشد. همان‌طور که در بخش پیشینه تحقیق نیز اشاره شد، استعاره در ضرب‌المثل کاربرد برجسته‌ای دارد. برخی استعاره‌ها «جهانی» و برخی «فرهنگ‌ویژه و زبان‌ویژه» هستند و بررسی آنها «دری به سوی شناخت فرهنگی زبان‌ها می‌گشاید» (Talebi et al., 2016, p. 87). در نمونه زیر، کاربرد استعاره به خوبی قابل مشاهده است:

ST	لطف با گرگ کار بی‌خرد است (انوری ۱۳۸۴: ۹۴۰)
TT	Only fools show mercy to a wolf.
ECP	If you save a thief from the gallows, he will be first to cut your throat. (Mieder et al. 1992: 245)

واژه «گرگ» استعاره از فرد ستمگر و جفاپیشه است. با این حال، در معادل بومی استعاره وجود ندارد. در مثل‌ها ممکن است «اغراق» نیز وجود داشته باشد، مانند مثال نخست در انگلیسی و مثال بعدی در فارسی:

* It is easier for a camel to go through the eye of a needle, than for a rich man to enter the kingdom of God.

ST	اگر دو برادر دهد پشت پشت/ تن کوه را باد ماند به مُشت (انوری ۱۳۸۴: ۱۰۰)
ST	دو دل یک شود بشکند کوه را/ پراکندگی آرد انبوه را (انوری ۱۳۸۴: ۵۳۱)
ECP	Union is strength. (Simpson, 1992, p. 266)

اگرچه در معادل بومی انگلیسی این مثل‌ها اغراق وجود ندارد، اما اشاره به آن در پانویس می‌تواند باعث آگاهی خواننده ترجمه شود.

یکی از راهکارهای بسیار مؤثر در ترجمه ضرب‌المثل، می‌تواند راهکار «جایگزین‌سازی جزئی» باشد، که شرط استفاده از آن منوط به وجود معادلی در زبان مقصد است که از

بررسی ترجمه ضرب‌المثل‌های کهن پارسی: ... (محمود افروز) ۱۳

لحاظ مضمون با متن مبدأ مشابه و از لحاظ ساختاری، یکسان (یا بسیار مشابه) باشند. تفاوت راهکار «جایگزین‌سازی جزئی» با «جایگزینی» در مثال‌های زیر قابل بررسی است:

ST	(انوری ۱۳۸۴: ۴۴۱)
TT	You have been bestowed two ears and one tongue/ Meaning: you should hear twice and speak once
ECP	Man was born with two <u>eyes</u> and only one tongue in order that he might <u>see</u> twice as much as he says. (Mieder et al. 1992: 190)

با استفاده از راهکار «جایگزین‌سازی»، چنانچه کلمات مشخص شده (eyes / see) را به ترتیب با «ears» و «hear» جایگزین کنیم، هم توانسته‌ایم مضمون مثل مبدأ را حفظ کنیم و هم با این کار خواننده ترجمه را به یاد مثلی در فرهنگ خود می‌اندازیم و بدین ترتیب، «تأثیرگذاری» ضرب‌المثل را تا حد مطلوبی حفظ کرده‌ایم.

در مثال زیر نیز کاربرد مؤثر راهکار «جایگزین‌سازی» تبیین شده است:

ST	(انوری ۱۳۸۴: ۲۸۹)
TT	Don't dig a pit, you (yourself) may fall into it.
ECP	If you dig a pit for someone else, you fall into it yourself. (Mieder et al. 1992: 150) He, who digs a grave for another, falls himself. (Mieder et al. 1992: 266)

برای ترجمه ضرب‌المثل بالا می‌توانیم با حفظ ساختار مثل‌های انگلیسی و اعمال جزئیاتی در برخی کلمه‌ها، تأثیر ترجمه را ارتقاء دهیم. بنابراین، صرفاً با جایگزینی عبارت someone else با ضمیر us خواهیم داشت:

If you dig a pit for us, you fall into it yourself.

یا تنها با جایگزینی grave با dig نیز این هدف قابل دسترسی بود:

He, who digs a dig for another, falls himself.

در برخی مثل‌ها آرایه تشخیص (personification) به کار رفته است، مانند:

ST	(انوری ۱۳۸۴: ۵۰۳)
TT	You condition resembles a pathetic cat; who, unable to reach the fat, says 'it is salty'
ECP	Foxes, when they cannot reach the grapes, say they are not ripe. (Mieder et al. 1992: 231)

اگر مترجم در کنار حفظ آرایه تشخیص به معادل بومی مثل نیز توجه کند و خواننده متن مقصد را از قرابت مفاهیم فرهنگی آگاه کند، ترجمه زیباتر و غنی‌تر می‌شود. ضمن آن‌که، حفظ ساختار مثل انگلیسی و بطور همزمان، از یک‌سو با جایگزین‌سازی «روباه» با «گره»، و از سوی دیگر، «انگور» با «دنبه» و «رسیده» با «خوشمزه»، میزان تأثیرگذاری ترجمه قابل ارتقاء است:

Cats, when they cannot reach the fat, say they are not appetizing.

وجود زیبایی‌های متنی یا «عناصر زبان‌محور» در ضرب‌المثل، ترجمه آن را بسیار دشوارتر می‌کند، چرا که مترجم برای حفظ تأثیر ترجمه گاهی ملزم به بازتولید آن آرایه‌ها خواهد شد. در ادامه، پس از آشنایی مختصر با برخی از این عناصر زبان‌محور، تعدادی از آن‌ها بررسی خواهد شد.

هروی و هیگنز (Hervey & Higgins, 1992, p. 76) معتقدند که تکرار صدا یا صامت یک‌سان یا گروهی از اصوات و صامت‌های یکسان در آغاز کلمات (هم‌چون 'many mighty midgets') «همنشین‌آوایی» ایجاد می‌کند. چنانچه این تکرار در داخل (نه ابتدا) کلمات باشد (مانند 'my crafty history master's bathtub') واج‌آرایی شکل می‌گیرد. گیبس (Gibbs, 2001, p. 168) به بروز برخی زیبایی‌های صوری در ضرب‌المثل‌های انگلیسی اشاره می‌کند:

وزن (meter)، (مانند: You can lead a horse to water, but you can't make him drink)

قافیه (مانند: Haste makes waste)؛

قافیه اریب (slant rhyme) (مانند: A stitch in time saves nine)؛

همنشین‌آوایی (مانند: Live and let live)؛

واج‌آرایی (مانند: A rolling stone gathers no moss)؛

تشخیص (مانند: Necessity is the mother of invention)؛

تناقض (مانند: No news is good news)؛ و

تقارن (parallelism) (مانند: A penny saved is a penny earned).

برخی از این نوع آرایه‌ها در امثال فارسی نیز به چشم می‌خورد، به‌طور مثال:

واج‌آرایی مصوت /ز/ در متن زیر:

بررسی ترجمه ضرب‌المثل‌های کهن پارسی: ... (محمود افروز) ۱۵

ST	کشف را با بطان فصلی چنین رفت / بسا سرکز زبان زیر زمین رفت (انوری ۱۳۸۴: ۱۷۰)
TT	Once Kashaf told Batan:/ Many heads have been cut off because of tongue
ECP	A fool's tongue is long enough to cut his throat. (Mieder et al. 1992: 603)

در بیت زیر، واج‌آرایی مصوت‌های /خ/ و /غ/ و /گ/ جنبه خاصی به بیت بخشیده است؛ در واقع، غم و اندوه را نه تنها در مضمون، که در صورت متن نیز مشاهده می‌کنیم. هرچند، حفظ جنبه‌های صوری شعر در ترجمه امری به غایت دشوار است.

ST	خرمی بی‌غم نمی‌باشد در این باغ خراب / خنده گل دارد از بی اشک ریزان گلاب (انوری ۱۳۸۴: ۲۳۳)
TT	There is no happiness unmixed with sadness in this ruined garden; the smile of a rose will move it to tears while in the pot of rose-water
ECP	After laughter, tears. (Mieder et al. 1992: 362) After joy comes sorrow. (Mieder et al. 1992: 340)

هم‌نشین‌آوایی مصوت /د/ در متن زیر:

ST	دوستی با مردم دانا نکوست / دشمن دانا به از نادان دوست (انوری ۱۳۸۴: ۵۰۶)
TT	It is good to make friends with the wise; a learned foe is better than a fool friend.
ECP	A wise enemy is better than a foolish friend. (Mieder et al. 1992: 180)

مضمون مصرع دوم بیت فارسی دقیقاً در ضرب‌المثل انگلیسی بومی وجود دارد و از لحاظ زیبایی صوری نیز هم‌نشین‌آوایی /f/ در آن (foolish friend) تا حدی آرایه موجود در متن مبدأ را جبران کرده است. در این موارد مترجمان می‌توانند بجای مصرع دوم عیناً ضرب‌المثل بومی را جایگزین کنند:

It is good to make friends with the wise; a wise enemy is better than a foolish friend.

مترجم می‌تواند مثل را نشان‌دار (ایرانی‌ک، برجسته یا ...) کرده و در پانویس، خواننده را از این مسئله آگاه نموده و به ارتقاء دانش بینا فرهنگی کمک کند.

تقارن و واج‌آرایی:

ST	ریزه ریزه پشم قالی می‌شود / ذره ذره خانه خالی می‌شود (انوری ۱۳۸۴: ۵۵۸)
TT	Little by little, wools make carpet; little by little a house gets empty.
ECP	The whole ocean is made up of little drops. (Mieder et al. 1992: 53)

در ابیات بالا، تقارن و واج‌آرایی /ر/ و /ز/ خودنمایی می‌کند، ولی اثری از آرائه‌ای خاص در معادل بومی دیده نمی‌شود. با این حال، با اندکی جست‌وجو می‌توان معادل مناسب‌تری نیز یافت. در نمونهٔ زیر، معادل فارسی و انگلیسی هر دو ضرب‌المثل، تقریباً با همان آرایه‌ها ارائه شده است.

ST	حبهٔ حبهٔ خوشه‌ها آرد سترگ / خوشه خوشه خرسنی گردد بزرگ (انوری ۱۳۸۴: ۴۲۴)
TT	Grains together produce great bunches; bunches together become a great amount.
ECP	Many a little make a mickle. (Simpson, 1992, p. 164)

در ابیات بالا، تقارن و واج‌آرایی /خ/، /گ/ و /ش/ به چشم می‌خورد. همچنین، در معادل بومی، همنشین‌آوایی /m/ و واج‌آرایی /l/ کاملاً برجسته است.

جناس و واج‌آرایی:

ST	عدو را بجایِ خسک زر بریز / که احسان کند، دندان تیز (انوری ۱۳۸۴: ۷۶۷)
TT	Throw golden coins at the foot of your foe; as gentleness and generosity eliminates animosity
ECPs	Always forgive your enemies. (Mieder et al. 1992: 229) Forgiveness is better than revenge. (Mieder et al. 1992: 229) Kill your enemy with kindness. (Mieder et al. 1992: 180) Kindness is the noblest weapon to conquer with. (Mieder et al. 1992: 384)

در ضرب‌المثل بالا، جناس واژه «کند» و واج‌آرایی /ک/ بسیار خودنمایی می‌کند. هیچ‌یک از ضرب‌المثل‌های بومی به تنهایی قابلیت جایگزینی یا حتی جایگزین‌سازی را ندارند؛ در چنین مواردی با ذکر ترجمه معنایی در متن اصلی و بیان ضرب‌المثل‌های بومی در پانویس می‌توان تأثیرگذاری حداکثری را ایجاد نمود. در ترجمه معنایی مورد بالا، واج‌آرایی /s/، /g/ و /f/ در کنار آهنگ ایجاد شده توسط «generosity» و «animosity» تاحدی توانسته است زیبایی ضرب‌المثل فارسی را جبران کند.

وزن:

ST	نه هر چیز رخشنده‌ای زر بود (انوری ۱۳۸۴: ۱۰۹۸)
TT	Every shining thing is not gold.
ECP	All that glitters is not gold. (Mieder et al. 1992: 14)

نه تنها مضمون و معنی دقیق، که حتی وزن ضرب‌المثل فارسی تا حد زیادی در معادل بومی انگلیسی آن وجود دارد. همین مثال برای ذکر اهمیت اشراف مترجم بر ضرب‌المثل‌های مقصد کافی است. همچنین، در ترجمه از انگلیسی به فارسی، چنان‌چه مترجم بر مثل‌های فرهنگ خود اشراف داشته باشد، می‌تواند بجای ترجمه ساده، معادل بومی و آهنگین را جایگزین و از معادل‌های کلیشه‌ای که غالباً برای آن ذکر شده (=هر گردی گردو نیست!) اجتناب کند.

۳.۴ مثل‌های متناقض

برخی مثل‌ها در انگلیسی و فارسی از لحاظ مفهومی که به مخاطب انتقال می‌دهند، متناقض به نظر می‌رسند، مانند:

ST	سفیه را به سفاقت جواب باز مده/ ز بی وفا به وفا انتقام باید کرد (انوری ۱۳۸۴: ۴۲۵)
TT	Don't provide a fool with a foolish answer; one should revenge a disloyal person via showing loyalty.
Contradictory ECP	Fight fire with fire. (Mieder et al. 1992: 209)
ST	جهان پیشگان را بده سر به باد / ستم بر ستم پیشه عدل است و داد (انوری ۱۳۸۴: ۶۳۹)
TT	Kill the mischievous worldly-wise ones; being cruel to a cruel is a divine justice.
Contradictory ECP	Forgiveness is better than revenge. (Mieder et al. 1992: 229)

مثل‌های متناقض نه تنها بین دو فرهنگ متفاوت، که حتی در داخل یک فرهنگ نیز یافت می‌شود و انتظار می‌رود مترجمان بر چنین مواردی نیز اشراف داشته باشند. البته، آشنایی با مثل‌های متناقض دو زبان مبدأ و مقصد، برای مترجمان بسیار ضروری‌تر است، زیرا گاهی ضرب‌المثل‌ها به‌طور کنایی (ironical) به‌کار روند و معنی متناقض آن مد نظر نویسنده است.

۵. نتیجه‌گیری

فرهنگ امثال سخن انوری (۱۳۸۴) در زمره غنی‌ترین فرهنگ‌های معاصر فارسی در خصوص ضرب‌المثل است. این اثر ارزشمند، پیکره پژوهش حاضر را تشکیل داده است. ضرب‌المثل‌های یک ملت ریشه عمیق در فرهنگ، تاریخ، آداب، سنن، مذهب و عقاید آن قوم دارد و از این رو، می‌توان آن را عصاره فرهنگ یک ملت دانست. از این رو، کتاب‌ها و فرهنگ‌هایی که به مقوله ضرب‌المثل پرداخته‌اند نقش بی‌بدیلی در حفظ جملات حکمت‌آمیز ادبی دارند. بنابراین، بررسی شیوه‌های ترجمه ضرب‌المثل، و به تبع آن، آشناسازی دیگر ملل با گنجینه مثل‌های کهن پارسی اهمیت بسزایی دارد.

در اکثر مطالعات پیشین پیرامون ترجمه ضرب‌المثل، پژوهشگران به این نتیجه رسیده‌اند که راهبرد تحت‌لفظی، غالباً نمی‌تواند روش کارآمدی باشد؛ هرچند، در این خصوص، نتایج جستار حاضر بر یافته‌های ایشان صحه می‌گذارد، با این حال، خلاء ارائه راه‌های کارآمد در اغلب جستارهای مرور شده، کاملاً ملموس است. در این پژوهش، برخی راهکارهای تلفیقی و نیز یک راهبرد بدیع توسط نگارنده پیشنهاد شد که در این بخش، جمع‌بندی آن ارائه گردیده است.

در زبان‌های مختلف، مجموعه ضرب‌المثل‌هایی وجود دارد که مفاهیمی یکسان (یا حداقل مشابه) با ضرب‌المثل‌های موجود در زبان‌های دیگر دارند. در مواجهه با چنین مثل‌هایی مترجم بهتر است به طریقی، مثلاً استفاده از پانویس، خواننده خود را از وجود چنین تشابه فرهنگی آگاه کند. البته، شایسته است در بخشی، مانند پانویس، ترجمه تحت‌لفظی ضرب‌المثل نیز آورده شود تا خواننده ترجمه بهتر متوجه ابعاد فرهنگی مضامین شود. البته، فواید دیگری نیز بر وجود پانویس مترتب است.

زمانی که مترجم نتواند دقیقاً همان آرایه ادبی ضرب‌المثل را حفظ کند، می‌تواند از ضرب‌المثلی با همان مفهوم و البته حاوی آرایه دیگری استفاده کند و با این کار، صورت زیبایی ضرب‌المثل را نیز حفظ کند. این راهکار را «جبران» می‌نامیم. زمانی که حتی جبران نیز ناممکن باشد، پای یکی دیگر از فواید پانویس به میان می‌آید. در واقع، اشاره به آرایه‌های ادبی ضرب‌المثل مبدأ، همچون استعاره، تلمیح، جناس و غیره، در پانویس به سهولت امکان‌پذیر است.

از دیگر راهکارهای مؤثر در ترجمه ضرب‌المثل، راهکار «جایگزینی» و «جایگزین‌سازی» است که البته شرایط محدودی در استفاده از آنها وجود دارد. از جمله آن شرایط می‌توان به وجود معادلی در زبان مقصد اشاره کرد که از لحاظ مضمون و ساختار با ضرب‌المثل مبدأ مشابه باشند.

آنچه مترجم باید همواره مد نظر قرار دهد، بافت موقعیت و متنی است که ضرب‌المثل در آن رخ داده است. با لحاظ معیار مقصود یا نیت، به‌طور کلی می‌توان ضرب‌المثل‌ها را در دو دسته کنایی و غیرکنایی جای داد. در مجموع، ترجمه ضرب‌المثل‌های غیر کنایی به کمک یکی از سه راهبرد تلفیقی، کارآمدتر از انتخاب صرفاً یکی از راهبردهای بی‌کمن و کالو است: (الف) جایگزینی ضرب‌المثل با معادل بومی آن در متن اصلی به علاوه ارائه ترجمه‌ای تحت‌لفظی و/یا معنی در پانویس، (ب) ارائه ترجمه تحت‌لفظی ضرب‌المثل در بدنه اصلی متن به علاوه ارائه معنی در پانویس، (ج) ارائه معنی ضرب‌المثل در بدنه متن به علاوه ارائه ترجمه‌ای تحت‌لفظی در پانویس.

راهبرد (الف) به مخاطبین فرهیخته و فرهنگ-پژوه که به مطالعه عمیق عناصر فرهنگی اعتقاد دارند، کمک می‌کند با ضرب‌المثل‌های فرهنگ مبدأ نیز آشنا شده و از این رهگذر، تطبیقی انتزاعی میان آن دو برقرار کنند. از سوی دیگر، این راهبرد برای مخاطبان عام که تمایلی به آشنایی با فرهنگ مبدأ ندارند نیز بسیار کارآمد است، زیرا وجود معادل بومی در بدنه اصلی متن، حداکثر روانی در خوانش ترجمه را فراهم می‌کند. با این حال، چنانچه معادل بومی جایگزین برای ضرب‌المثل یافت نشد، می‌توان با توسل به راهکار (ب) رضایت نسبی مخاطبان فرهنگ-پژوه، و با انتخاب راهکار (ج) رضایت مخاطبان عام را فراهم کرد.

در شرایطی که در متن مبدأ ضرب‌المثل به‌طور کنایی به کار رود و معنی متناقض آن مدنظر نویسنده باشد، مترجمانی که ترجیح می‌دهند ضرب‌المثل مبدأ را با ضرب‌المثلی در زبان مقصد ترجمه کنند، می‌توانند راهکارهای زیر را به کار ببرند:

الف) حفظ کنایه: با این راهکار، مترجم ضرب‌المثل مبدأ را با ضرب‌المثل معادل (خارج از بافت) جایگزین می‌کند و درک کنایه را به عهده خواننده مقصد می‌گذارد؛

ب) حفظ کنایه به همراه پانویس: با این راهکار، مترجم در کنار راهکار (الف) در پانویس، مقصود کنایی نویسنده را تشریح می‌کند؛

ج) شفاف‌سازی: با این راهکار، مترجم مستقیماً ضرب‌المثلی متناقض در زبان مقصد را جایگزین ضرب‌المثل مبدأ می‌کند؛

د) شفاف‌سازی به همراه پانویس: با این راهکار، مترجم در کنار راهکار (ج) در پانویس برای خوانندگان ترجمه درباره کاربرد ضرب‌المثل متناقض توسط نویسنده توضیح می‌دهد.

با توجه به معرفی راهکار جدید «جایگزین‌سازی»، پژوهشگران علاقه‌مند در تحقیقات آتی خود می‌توانند به ارزیابی کارآمدی این راهکار در ترجمه ضرب‌المثل‌های غیرکلاسیک یا امثالی تمرکز کنند که در متون ادبی معاصر، متون اسلامی، متون دیداری-شنیداری یا حتی ترجمه شفاهی به کار رفته‌اند.

کتاب‌نامه

ابراهیم‌شیرینی، شیلر و ولی‌پور، علیرضا. (۱۳۹۶). بررسی جنبه‌های فرهنگی قومی پایدارهای مقایسه‌ای (تشبیهات مثل‌گونه) توصیف‌کننده ظاهر در زبان‌های روسی و فارسی. جستارهای زبانی، ۸(۲)، ۱۲۷-۱۴۷.

اسکندری، مهنوش، و سعیدی، علی. (۱۳۹۶). تأملی در ترجمه ضرب‌المثل‌ها از زبان روسی به فارسی. دومین کنفرانس بین‌المللی ادبیات و زبان‌شناسی.

افروز، محمود. (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی-تحلیلی نقش مترجمان بومی و غیر بومی در حفظ هویت ملی. مطالعات زبان و ترجمه، ۴۹(۱)، ۴۱-۵۵.

افروز، محمود. (۱۳۹۹). ارتقاء الگوی کارمن والرو گارسس (۱۹۹۴) از رهگذر بررسی ترجمه‌های انگلیسی شاهکار سورئالیستی هدایت. ادبیات پارسی معاصر، ۱۰(۲)، ۵۱-۷۴.

امانی، رضا؛ رضائی، زهرا و خوشنماوند، زهرا. (۱۳۹۶). روش‌شناسی و ارزیابی ترجمه‌های قرآن کریم در برگردان ضرب‌المثل‌های اخلاقی قرآن، همراه با ترجمه‌های پیشنهادی (بررسی موردی ترجمه‌های دهلوی، فولادوند و فیض‌الاسلام). مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، ۱(۴)، ۲۳-۱.

امیرشجاعی، آناهیتا و قریشی، محمدحسین. (۱۳۹۵). بررسی نشانه‌ای - فرهنگی و تغییر ایدئولوژی در ترجمه (براساس تحلیل گفتمان انتقادی) مطالعه موردی: پیرمرد و دریا، اثر ارنست همینگوی. زبان پژوهی، ۸(۱۹)، ۷-۳۲.

انوری، حسن. (۱۳۸۴). فرهنگ امثال سخن. تهران: سخن.

بررسی ترجمه ضرب‌المثل‌های کهن پارسی: ... (محمود افروز) ۲۱

تقوی، علی، و رادفر، ابوالقاسم. (۱۳۸۹). تأثیر و حضور شاهنامه در برخی از هنرهای ایرانی. کهن‌نامه ادب پارسی، ۱(۲)، ۱-۱۳.

رادفر، ابوالقاسم. (۱۳۹۳). فرهنگ‌نویسی فارسی در هند جنوبی (دکن). کهن‌نامه ادب پارسی، ۴(۴)، ۷۰-۵۷.

رادفر، ابوالقاسم، و پاک‌نهاد، محمد. (۱۳۹۲). وحدت «ساختاری - واژگانی» جمله‌های همسانی (پیوسته)، یکی از الگوهای نحوی موسیقی‌آفرین در مثنوی. کهن‌نامه ادب پارسی، ۴(۲)، ۴۷-۶۷.

طالبی دستنایی، مهناز؛ حق‌بین، فریده؛ و افراشی، آزیتا. (۱۳۹۵). بررسی استعاره خشم در زبان ناینیان‌مطلق‌مادرزاد در مقایسه با همتای بینایشان. زبان پژوهی، ۸(۲۰)، ۸۵-۹۸.

عرفت پور، زینه. (۱۳۹۸). کارکرد برخی حیوانات در ضرب‌المثل‌های عربی و فارسی. کهن‌نامه ادب پارسی، ۱۰(۱)، ۱-۲۹.

قهرمانی، سوسن و پورصدوقی، ساره. (۱۳۹۵). جنگ تحمیلی پنهان: دزفول این بار در محاصره کلمات غریب. زبان پژوهی، ۸(۲۱)، ۸۰-۱۱۵.

نیازی، شهریار و نصیری، حافظ. (۱۳۸۸). ارزش فرهنگی ترجمه ضرب‌المثل‌ها و کنایات (عربی - فارسی). زبان پژوهی، ۱(۱)، ۱۶۷-۱۸۴.

ولی‌پور، علیرضا و ابراهیم‌شریفی، شیراز. (۱۳۹۸). بررسی تداخل زبانی-فرهنگی در کاربرد پایدارهای مقایسه‌ای. پژوهش‌های زبانشناختی در زبان‌های خارجی، ۹(۱)، ۲۵۵-۲۶۷.

ولی‌پور، علیرضا و قریشی، شکوه. (۱۳۹۴). مقایسه و تطبیق ساختارهای گرامری در ترجمه‌های روسی قرآن بر مبنای آیه‌هایی از سوره‌های قرآن کریم. پژوهش‌های زبانشناختی در زبان‌های خارجی، ۵(۱)، ۵-۱۷.

Afrouz, M. (2017). "A Comparative-Interpretative Study of the Role of Native and Non-Native Translators in Preserving National Identity." *Journal of Language and Translation Studies*, 49(1). 41-55. [In Persian]

Afrouz, M. (2019). "How Different Muslim Translators Render the Holy Qur'an into English? The Case Study of Sunni, Shia and 'neither Sunni nor Shia' Translators." *SKASE Journal of Translation and Interpretation*, 12(1). 1-14.

Afrouz, M. (2020). "Assessing equivalents selected by translators' of 'The Blind Owl' based on componential analysis and semantic load of the words proposing a new analytical model based on data analysis." *Journal of Language Research*, 12 (37), 9-37.

Afrouz, M. (2021). "Boosting Carmen Valero Garcés (1994) Model through Exploring Contemporary English Translations of Hedayat's Surrealistic

- Masterpiece.” *Contemporary Persian Literature*, 10(2), 51-74. doi: 10.30465/copl.2021.6146. [In Persian]
- Afrouz, M. (2021a). “Self-edition hypothesis: The case of multiple self-edited versions of modern literary texts”, *FORUM*, 19(1), 1–23.
- Afrouz, M. (2021b). “How Three Different Translators of The Holy Qur’an Render Anthroponyms from Arabic into English: Expanding Vermes’s (2003) Model of Translation Strategies.” *Names: A Journal of Onomastics*, 69(4), 21-29.
- Afrouz, M. (2021c). “Investigating Literary Translator’s Style in Span of Time: The Case of Sa’di’s *Gulistan* Translated into English.” *Lebende Sprachen*, 66(2), 214–230.
- Afrouz, M. (2022). “Translating Proverbs in The *Gulistan* of Sa’di: Developing a New Taxonomy Based on Baker’s (2011) Model.” *Hikma*, 21(1), 53 – 83.
- Afrouz, M., & Mollanazar, H. (2016). “Rendering the Islamic Concepts of the Holy Qur’an: Towards a More Comprehensive Model.” *Translation Studies Quarterly*, 13(52), 61-76.
- Afrouz, M., & Shahi, M. (2020) *Translation after Wittgenstein. Perspectives*, 28(1), 159-161.
- Amani, R., Rezaee, Z., & Khoshnamvand, Z. (2017). “Methodology and Evaluation of Holy Quran Translations In Translation of Ethical Quran Proverbs Along With Suggested Translations.” *Islamic Studies and Culture*, 1(4), 1-23. [In Persian]
- Amirshojaee, A., & Ghorishi, M. (2016). “The Semiotic-Cultural Analysis and the Ideological Changes in Translation.” *Journal of Language Research*, 8(19), 7-32. [In Persian]
- Anvari, Hasan. (2005). *Sokhan Dictionary of Proverbs*. Tehran: Sokhan. [In Persian]
- Baker, M. (2018). In *Other Words* (3rd ed). London: Routledge.
- Bassnett, S. (2002). *Translation Studies*. London: Routledge.
- Beekman, J. & Callow, J. (1974). *Translating the word of God*. New York: The Zondervan Cororation for Summer Institute of Linguistics.
- Crystal, D. (1992). *An encyclopedic dictionary of language and languages*. Oxford: Blackwell Publications.
- Delahanty D. J. & Peel, B. (1979). The Development of Metaphor and Proverb Translation in Children Grades 1 through 7. *The Journal of Educational Research*, 73(2), 116-119.
- Ebrahimsharifi S, & Vali pour A. (2017). “The survey of cultural-ethnic aspects of stable comparisons (proverb with such like) describing the appearance in Russian and Persian language.” *LRR*, 8 (2), 127-147. [In Persian]
- Ebrahimsharifi, S., & Valipour, A. (2019). “An Investigation into the Linguistic-Cultural Interference in the Application of Stable Comparisons.” *Foreign Language Research Journal*, 9(1), 255-268. [In Persian]
- Erfatpour, Z. (2019). “Animals in Arabic and Persian proverbs.” *Classical Persian Literature*, 10(1), 277-307. [In Persian]
- Gahremani, S., & Poursaduqi, S. (2017). “Hidden war: Dezful in siege of words.” *Journal of Language Research*, 8(21), 80-115. [In Persian]
- Gibbs, R. W. (2001). Proverbial themes we live by. *Poetics*, 29(3), 167-188.

- Hervey, S., & Higgins, I. (1992). *Thinking translation*. London & New York: Routledge.
- Lunde, P. and Wintle, J. (1943). *A dictionary of Arabic and Islamic proverbs*. London: Routledge and Kegan Paul.
- Martha Njui, M. (2019). Linguistic Interpretation of Proverbs in the Kenyang Language. *Journal of Language Teaching and Research*, 10(3), 421-426.
- Mieder, W., Stewart, A. K. and Harder K. B. (1992). *A dictionary of American proverbs*. New York and Oxford: Oxford University Press.
- Mollanazar, H. (2018). *Principles and methodology of translation*. Tehran: SAMT.
- Niazi, S., & Nasiri, H. (2009). "Cultural Value of Translating Proverbs & Ironies (Arabic-Persian)." *Journal of Language Research*, 1(1), 167-184. [In Persian]
- Parvaz, Z., and Afrouz, M. (2021). "Methods of Translating Metonymies in The Masnavi: Boosting Larson's (1984) Model." *Translation Studies*, 19 (75), 6-22.
- Radfar, A. (2014). "Lexicography in South India (Deccan)." *Classical Persian Literature*, 4(4), 57-70. [In Persian]
- Radfar, A., Paknahad, M. (2013). "Structural-Lexical Unity in Parallel Sentences: A Rhythm-Creating Syntactic Pattern in Mathnavi." *Classical Persian Literature*, 4(2), 47-67. [In Persian]
- Shehab, E. & Daragmeh, A. (2015). A Context-based Approach to Proverb Translation: The Case of Arabic into English Translation. *Translation Review*, 90(1), 51-68.
- Simpson, J. (1992). *The concise Oxford dictionary of proverbs*. Oxford and New York: Oxford University Press.
- Taghavi, A., & Radfar, A. (2010). The Effect and the Presence of Shahnameh in some of the Iranian Arts. *Classical Persian Literature*, 1(2), 1-13. [In Persian]
- Talebi, M., Haghbin, F., & Afrashi, A. (2016). Anger Metaphor in Language of the Blind from Birth: A comparative study with sighted counterparts. *Journal of Language Research*, 8(20), 85-98. [In Persian]
- Vali pour, A., & Ghoreyshi, S. (2015). "Comparison of the grammatical structures of the Russian translation of the Quran Based on the verse of Surah of the Quran." *Foreign Language Research Journal*, 5(1), 5-18. [In Persian]
- Whmeier, S. (1995). *Oxford advanced learner's dictionary of current English*. Oxford: Oxford University Press.